

نقش بافت ارگانیک روستایی در ارتقای تاب‌آوری و پایداری روستاها (نمونه موردی: روستاهای رجایی دشت و فلار استان قزوین)

سمیرا قانعی

پژوهشگر دوره دکتری شهرسازی، گروه شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران

سید محمد رضا خطیبی^۱

استادیار گروه شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران

منوچهر طیبیان

استاد گروه شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۵/۱۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۳/۶

چکیده

یکی از ویژگی‌های بافت‌های روستایی، ارگانیک بودن آن است. بافت ارگانیک روستایی به معنای عدم برنامه مدون جهت رشد کالبدی روستا نیست، بلکه از پیش‌اندیشیده شده است و به معنای رشد و توسعه هر روستا براساس ویژگی‌های مخصوص همان روستا است. در حال حاضر، به علت ساخت و سازهای بی‌رویه، سیمای محلی روستاها مورد تهدید واقع شده و آرامش و هویت خاص روستایی دچار آشفتگی قرار گرفته است. هدف از انجام این تحقیق، ارتقا تاب‌آوری روستاهایی است که در دهه‌های اخیر، به دلیل توجه صرف به مباحث کالبدی، دچار ناپایداری در زمینه‌ها و نظام‌های مختلف، گشته‌اند. روش تحقیق در این مقاله به لحاظ هدف از نوع عملی است، چراکه برای حل مسئله خاصی در نظر گرفته شده و خصلت محلی و موضعی دارد. از طرفی روش تحقیق براساس ماهیت و روش، از نوع توصیفی است. براین اساس روستاهای رجایی دشت و فلار در محدوده الموت غربی استان قزوین، به عنوان نمونه موردی در این تحقیق، مورد مطالعه قرار خواهند گرفت. نتایج حاکی از آن است که اگر پیشنهادات توسعه هر روستا، براساس مولفه‌های اجتماعی-فرهنگی، اقتصادی و زیست‌محیطی مختص همان روستا، ارائه گردد و در مرحله مکانیابی کاربری‌ها، توجه به عوامل محیط زیستی و بافت ارگانیک روستا شود و در گام نهایی، توجه به موارد و مصالح بومی روستا در احداث ابنیه و موارد کالبدی آن، سرلوحه عمل واقع گردد، با توجه به ثبات در بافت ارگانیک روستایی، تاب‌آوری و پایداری روستا ارتقا می‌یابد.

کلمات کلیدی: تاب‌آوری، بافت ارگانیک، بافت روستایی، پایداری روستایی.

مقدمه

براساس مستندات علمی و تاریخی، انسان‌ها از ابتدای ساکن شدن بر روی کره زمین، همواره در پی فراهم کردن شرایط لازم جهت حفاظت و نگهداری خود و هم‌نوعان در مقابل خطرات و شرایط اقلیمی بوده‌اند و اولین سرپناه‌های طبیعی مانند غارها را مورد استفاده قرار داده‌اند. در این میان، جهت تامین فضاهایی بزرگ‌تر که همراه با ازدیاد جمعیت بوده است، از مکان‌های طبیعی خارج و به دشت‌ها و کوه‌پایه‌ها روی آوردند و جهت رفع نیازهای مذکور سرپناهی برای خود ساختند. در این مورد فقط از طبیعت می‌توانستند کمک بگیرند. بنابراین سنگ و چوب تنها مصالح موجود در آن دوران بود که آن‌را از طبیعت به دست می‌آوردند و با اندک تغییراتی مورد استفاده قرار می‌دادند.

معماری ارگانیک رویکردی جدید را با همان چهارچوب سنتی و کهن از ساخت و ساز در دنیای مدرن ارائه می‌دهد. در دنیای امروز، بافت کالبدی روستاها علاوه بر تاثیر از عوامل محیطی، از دخالت مستقیم افراد جامعه نیز بی‌بهره نیست. خصوصیات کالبدی روستاها تحت تاثیر دو گروه کلی عوامل مرتبط با محیط یا طبیعت و انسان شکل می‌گیرد. در رویکرد معماری ارگانیک، تمامی مولفه‌های سکونت و یکجانشینی، اعم از مباحث اجتماعی - فرهنگی، اقتصادی، زیست محیطی روستاها مورد مطالعه قرار می‌گیرند و براساس خروجی‌های حاصل از مطالعات کارشناسی شده، رشد و توسعه در بافت روستایی اتفاق می‌افتد. بنابراین در صورتی که دخالتی در توسعه بافت ارگانیک روستایی صورت نگیرد، تاب‌آوری به حداکثر میزان خود می‌رسد و نهایتاً منجر به پایداری می‌شود.

در این تحقیق، سعی بر آن است که عواملی که باعث عدم دخالت در بافت ارگانیک روستایی می‌شوند، مطرح گردد تا منجر به تاب‌آور شدن و پایداری در روستاها شود. بر این اساس، در صورتی که برنامه‌ریزی برای آینده روستا مبتنی بر عوامل درونی روستا و روستاییان اتخاذ گردد و عوامل بیرونی، تاثیرات هرچه کمتر داشته باشند، تاب‌آوری به حداکثر میزان خود می‌رسد و پایداری را به ارمغان خواهد آورد.

از این رو، روستاهای رجایی دشت از دهستان رودبار محمد زمانی و فلار از دهستان رودبار شهرستان از بخش الموت غربی، شهرستان قزوین از استان قزوین به عنوان نمونه موردی، انتخاب شده است و مورد مطالعه قرار خواهند گرفت، برای نیل به هدف تحقیق و مشخص شدن شاخص‌های مورد بررسی به طرح سوالات مهمی اعم از ۱. آیا امروزه روستاهای محدوده رودبار الموت غربی به اندازه‌ی پیش پایدار هستند و یا متجلی شاخص‌های پایداری و توسعه پایدار می‌باشند؟ ۲. آیا اجرای طرح‌های هادی روستایی و طرح‌های فرادست باعث برهم خوردن پایداری ارگانیک در روستاها شده‌اند و یا باعث افزایش ظرفیت پایداری و تاب‌آوری آن‌ها گشته‌اند؟ ۳. در نظر گرفتن کاربری‌های متفاوت با شکل زیرساخت‌های شهری در روستاها با حفظ سیمای کالبدی تاچه حد می‌تواند در توسعه پایدار روستایی نقش داشته باشد؟، پرداخته شده است از طرفی روش تحقیق در این مقاله به لحاظ هدف از نوع عملی و به لحاظ ماهیت و روش، از نوع توصیفی است. عملی است به این جهت که برای حل مسئله خاصی با عنوان چگونگی تاب‌آوری و پایداری روستاها از طریق در نظر گرفته می‌شود و خصلت محلی و موضعی دارد. از طرفی توصیفی است، چون دارای مراحل چهارگانه تحقیقی اعم از بررسی وضع موجود، توصیف منظم وضعیت فعلی، مطالعه ویژگی‌ها و صفات موجود و در نهایت بررسی ارتباط بین متغیرهاست. در انتهای این نوع پژوهش و تحقیق می‌توان به ارائه پیشنهاد بر اساس یافته‌های پژوهش، پرداخت.

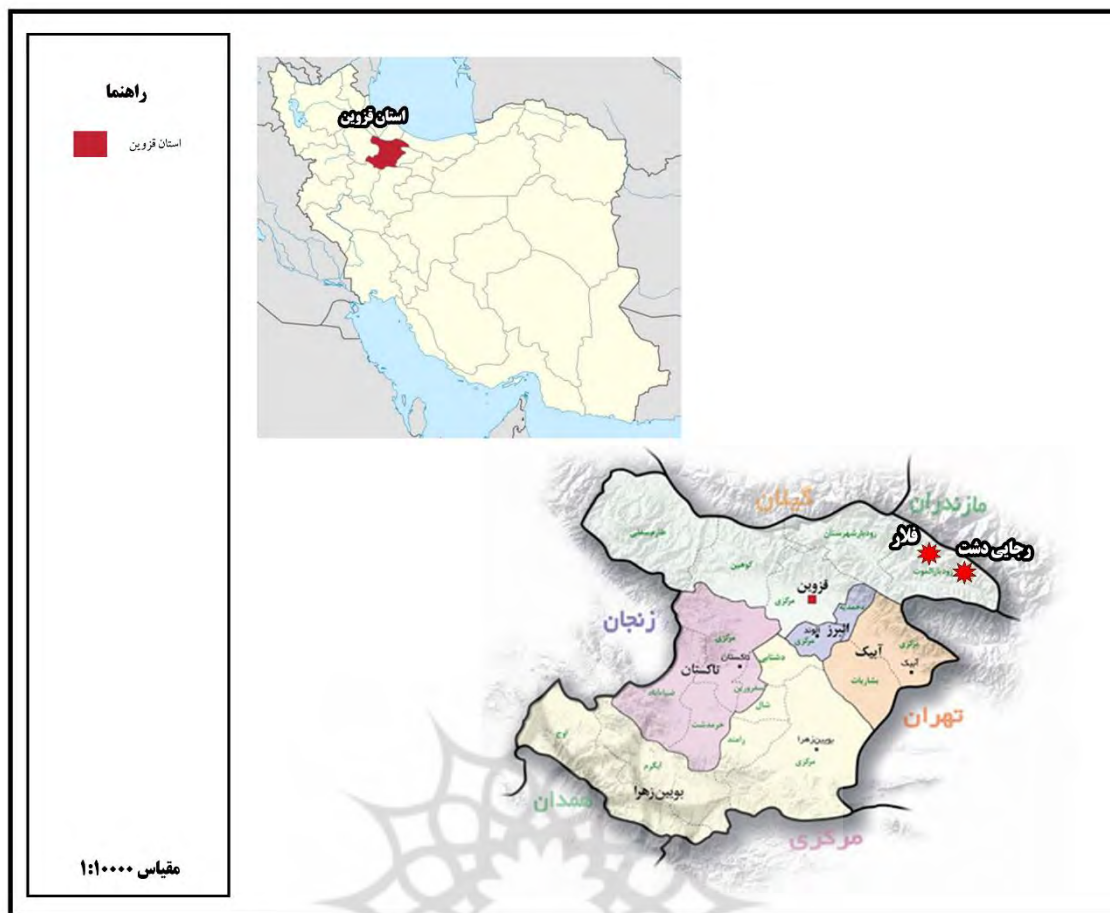
ادبیات تحقیق

براساس نوشته‌های جهانی در زمینه توسعه، اگر کاهش فقر و رفع کمبودهای تغذیه، تأمین حداقل خدمات عمومی، توسعه فرصت‌های شغلی، بالارفتن درآمد و بهبود بهره‌وری، افزایش تولیدات کشاورزی و مواد غذایی، تأمین امنیت غذایی، انتقال منابع عمومی به روستاها، حفظ توان محیط طبیعی و زیستی و توسعه مشارکت و تقویت اعتماد به نفس جزء اهداف توسعه پایدار روستایی تلقی شوند، در آن صورت به طور منطقی پیوند عمیق بین انسان روستایی با محیط مشخص می‌گردد. پیوند این دو، یعنی توجه به زمین مورد استفاده انسان روستایی و نحوه تأمین نیازهای او، از طریق اشکال مختلف فعالیت که در قالب نظام‌های بهره‌برداري تبلور می‌یابند، فراهم می‌شود. با توجه به وجود تعامل عمیق میان توسعه روستایی با توسعه کشاورزی و توسعه ملی، اهداف هم‌پیوندی توسعه روستایی با توسعه کشاورزی را بر اساس نظریه توسعه پایدار می‌توان در هشت محور اصلی تأمین نیازهای اساسی، افزایش تولید، کاهش فقر، امنیت غذایی، توسعه فرصت‌های شغلی، مشارکت و اعتماد به نفس، افزایش درآمد و حفظ محیط زیست بیان کرد (افتخاری، ۱۳۸۵: ۱۲). تاب‌آوری ریشه در مطالعات طبیعی زیست محیطی دارد. براساس گفته هولینگ (۱۹۷۳)، میزان تاب‌آوری یک محیط به این معناست که محیط تا چه اندازه در برابر عاملی مانند زلزله می‌تواند به آرامی مرحله انتقال به یک محیط جدید را سپری کند و به محیطی پایدار تبدیل شود (Petak, 2002: 15). تاب‌آوری توانایی یک سیستم اجتماعی برای عکس‌العمل و بهسازی خود بعد از حادثه است و مشمول قابلیت‌های بالقوه‌ای می‌شود که سیستم را قادر می‌سازد فشارهای وارد شده در اثر حادثه را جذب کند و بتواند از عهده یک رویداد و پسر ویدادهای آن برآید (Cuutre et al, 2008: 21). در این زمینه این اعتقاد وجود دارد که تاب‌آوری جامعه زمانی رخ می‌دهد که منابع کافی برای خنثی کردن سریع اثرات مخرب بحران وجود داشته باشد. به عبارت دیگر، تاب‌آوری زمانی شکل می‌گیرد که منابع بسیار قوی و اضافی بر احتیاج وجود داشته باشد و به سرعت در مقابل تأثیرات عمل کند یا عمل متقابل نشان دهد (Ride, 2011: 50). لفظ معماری ارگانیک بیشتر به آثار معماران برجسته‌ای نظیر فرانک لوید رایت اطلاق می‌شود. برای بسیاری از نظریه پردازان معماران مدرن که به دنبال تعبیری معمارانه از زیبایی بودند، طبیعت فلسفه مهم تلقی می‌شد. معمار می‌بایست ترکیبی را به وجود می‌آورد که به موازات طبیعت باشد و چرخه حیات، رشد و توسعه را به صورت انتزاعی نشان دهد. در آثار معمارانی نظیر لوئی سالیوان و فرانک لوید رایت، معماری ارگانیک به بارزترین شکل ممکن و در تک بناها به نمایش درآمده است. در زمان اوج معماری ارگانیک نظریه پردازان مشهور در خصوص ارتباط معماری و طبیعت موارد متعددی را بیان کردند. فردریش ویلهلم شیلینگ (یکی از بنیانگذاران فلسفه رمانتیک)، معتقد بود که طبیعت جزئی از خود انسان است و بین انسان و طبیعت جدائی نیست (مقدم فر، ویسی، ۱۳۹۳: ۸). برای ایجاد سکونتگاه‌های تاب‌آور با تأکید بر نقش مدیران محلی، اشکال مختلف سرمایه نقش دارند که سرمایه اجتماعی با تأکید بر مؤلفه‌های اعتماد، شبکه‌ها و هنجارها، یکی از انواع سرمایه‌های تأثیرگذار است. سرمایه اجتماعی، تاریخچه‌ای بس طولانی و نامحسوس در میان علوم اجتماعی دارا است. اولین کسی که این اصطلاح را به کار برد، هانی فان بود. بعدها جیمز کلمن نقش شرکت اجتماعی را در شکل‌گیری فرهنگ و تعلیم و تربیت شرح داد. سرمایه اجتماعی مفهومی بود که مدتی از مباحث دور ماند. بعد از آن جین جاکوب در اواخر ده 60 دوباره آن را مطرح ساخت سپس لوری در ده 70 و کلمن در ده 80 آن را به تفصیل شرح دادند. همچنین پیر بوردیو

جامعه شناس فرانسوی تحقیقاتی در این مورد به عمل آورد (Woolcock, 2001: 12). علیرغم رشد شتابان شهرنشینی در جهان، الگوی زیست سکونتگاه انسانی به ویژه روستاها همچنان به عنوان یک شیوه منحصربه فرد و تأثیرگذار در اسکان جمعیت و فعالیت های انسانی مطرح است. لذا وضعیت کالبدی جوامع روستایی و روند ساخت و سازهای جدید که همواره دستخوش تحولات و دگرگونی های شکلی و ساختاری است، نقش بسزایی می یابند. سیال بودن ساختار کالبدی سکونتگاه های روستایی متأثر از عرصه های جغرافیایی است که با تغییر وضعیت زمین پیوند دارد و نه تنها یک مفهوم اقتصادی بوده بلکه به یک مفهوم اجتماعی و زیست محیطی در نظام برنامه ریزی فضایی روستا منجر می شود. ساختار کالبدی روستاها بنا بر مقتضیات گوناگون اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در گذر زمان شکل گرفته است. اما رشد جدید، باوجود ایجاد خانه هایی با مصالح بادوام و معاصر، تعریض معابر و ایجاد فضای سبز، رونق نسبی در روستا به دلیل عدم هماهنگی بافت جدید و قدیم و گسست هویت قدیمی خود، احساس آرامش یا رضایتمندی را برای ساکنان روستا در پی نداشته است. این نارضایتی در اثر تقابل ویژگی شکل سکونتگاه سنتی با جدید از یک سو و نبود رویکرد و عامل هماهنگ کننده نسبت به گسترش جدید از سوی دیگر، اتفاق افتاده است (لک، عزیزخانی، ۱۳۹۵: ۴). واحدهای مسکونی روستایی از یک سو، تحت تاثیر اقلیم و الگوهای طبیعی بنا شده اند و از سوی دیگر با الگوی معیشت خانواده ها ارتباط دارند. اما امروزه باوری تقریباً جهانی وجود دارد که بیانگر این واقعیت است که جوامع روستایی روز به روز در حال پیچیده تر شدن هستند. این گونه پیچیدگی در تنوع پذیری الگوهای فعالیت و جابه جایی افراد، خانوارها و نهادها و به طور کلی در حجم روزافزون جریان اطلاعات و سرمایه ها، نوع آوری ها و ... به خوبی قابل ردیابی است (سعیدی، ۱۳۸۹: ۴). معماری بومی روستایی براساس عوامل و شاخص های مختلف اجتماعی و فرهنگی، اقلیمی و معیشتی مختلف، شکل گرفته است. از سوی دیگر شکل گیری معماری روستاها، در جهت حفظ آسایش ساکنان، با بهره گیری از عناصر مفید اقلیمی، ضمن احترام به طبیعت و سایت، به وجود آمده است. در سیمای روستاهای کشوری، احترام به طبیعت را می توان در نحوه استقرار براساس توپوگرافی، شکل گیری بافت براساس طبیعت، استفاده از سنگ و خاک در مصالح بنا، پوشش بام و ... مشاهده نمود (اسماعیل پور، غفاریان خرم، ۱۳۹۵: ۲).

- معرفی محدوده مورد مطالعه

روستاهای رجایی دشت و فلاز هر دو واقع در محدوده رودبار الموت غربی واقع در شمال شرق استان قزوین هستند. بنابر سرشماری مرکز آمار ایران، جمعیت بخش الموت غربی در سال ۱۳۹۵ برابر با ۲۰,۸۹۶ نفر بوده است. از مهم ترین روستاهای این منطقه می توان به دورچاک، بهرام آباد، دستجرد سفلی، رجایی دشت، هیر، فلاز و تلاتر اشاره نمود.



نقشه ۱: موقعیت روستاهای مورد مطالعه در استان و کشور

منبع: نگارنده

شناخت وضع موجود روستای رجایی دشت

روستای رجایی دشت در دهستان رودبار محمد زمانی از بخش رودبار الموت غربی، از توابع شهرستان قزوین، قرار گرفته است. مرکزیت بخش رودبار شهرستان را شهر رازمیان و مرکزیت دهستان رودبار محمد زمانی را روستای رجایی دشت عهده‌دار است. براساس اطلاعات به دست آمده از نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵، روستای رجایی دشت دارای جمعیتی معادل ۷۵۶ نفر و به تفکیک ۳۹۷ مرد و ۳۵۹ زن می باشد که مجموعاً ۲۱۵ خانوار را تشکیل می دهند (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵).

براساس اطلاعات موجود از طرح هادی روستای رجایی دشت، مصوب سال ۱۳۸۵ از بنیاد مسکن انقلاب اسلامی استان قزوین، مشخص می شود که از میان سه بخش عمده اقتصادی کشاورزی، صنعت و خدمات، حدود ۶۰ درصد از اهالی روستای رجایی دشت به امر زراعت و باغداری و حدود ۱۰ درصد نیز به دامداری مشغولند. مابقی اهالی روستا در مشاغل غیرتولیدی و اکثراً خدماتی مشغول به فعالیت هستند. فعالیت‌های کشاورزی روستا شامل، کشت برنج و گندم و شبدر و عدس در اراضی آبی به مساحت حدود ۴۳ هکتار، کشت گندم و جو به صورت دیم در اراضی به مساحت ۳۳ هکتار و باغات زردآلو، گیلاس و گردو به مساحت حدود ۱۸ هکتار می‌شود. در این میان دامداری در روستا در قالب دامداری به روش‌های سنتی یا نیمه صنعتی است (طرح هادی روستای رجایی دشت، ۱۳۸۵: ۲۱).



تصویر ۲: دورنمای روستای رجایی دشت

منبع: ایسنا

مهاجرت را می‌توان به تحرک دائمی یا موقت گروهی از انسان‌ها از نقطه‌ای به نقطه دیگر تعبیر کرد. بررسی چگونگی اثر مهاجرت در افزایش یا کاهش جمعیت یکی از پیچیده‌ترین مباحث در مطالعات جمعیتی است. این مسئله بدلیل ناپایداری مهاجرت و وابستگی آن به مجموعه عواملی چون عوامل اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی بسیار متغیر می‌نماید. با مطالعه آمار جمعیتی و اطلاعات به دست آمده از طرح هادی روستای رجایی دشت، استنباط می‌شود که در دوره دهساله ۶۵-۷۵ روستای رجایی دشت نرخ رشد مثبت داشته و جمعیت معادل ۱۲/۲ درصد نسبت به جمعیت سال ۶۵ افزایش یافته و بعد متوسط خانوار ۹/۲۳ را نشان می‌دهد. بنا بر آمار و اطلاعات موجود و برداشت‌های میدانی انجام گرفته، روستای رجایی دشت در همه دوره‌ها با مهاجرپذیری مواجه بوده است. این سیل مهاجرپذیری به دلیل تجمع خدمات و امکانات و نیز نزدیکی به جاده آسفالت و دسترسی آسان به وسایل نقلیه همچنان رو به افزایش است. براساس اطلاعات موجود از طرح هادی روستایی، ابنیه روستای رجایی دشت به ۵ گروه تقسیم می‌شود. بر این اساس اکثریت بناهای روستای رجایی دشت، به خصوص بافت قدیمی روستا بهره‌برداری نسبتاً مناسبی از مصالح بومی کرده‌اند. به طوری که از ملات شفته و مانند آن در پی‌ریزی و گل و خشت و آجر به روی شفته به عنوان مصالح باربر و ملات گچ و خاک و گل و سیمان و ماسه به عنوان اندود استفاده شده است. سقف بناهای قدیمی اکثراً از تیرهای چوبی به علاوه سایر ملحقات و در بناهای نوساز از سیستم تیرآهن و کمتر از سیستم قدیمی استفاده می‌شود. برای پوشش بام دیوارهای قدیمی از کاهگل و در بناهای جدید بام از آسفالت و دیوارها در برخی موارد بدون اندود و در برخی از آن‌ها از اندودهای مختلف و مصالح امروزی بهره‌برداری شده است.

با استناد به طرح هادی روستای رجایی دشت، مصوب سال ۱۳۸۵ از بنیادمسکن انقلاب اسلامی استان قزوین و همچنین برداشت میدانی از روستا، کاربری‌های موجود در روستای رجایی دشت عبارتند از: کاربری مسکونی، کاربری آموزشی شامل مدرسه ابتدایی و راهنمایی و هنرستان و دبیرستان، کاربری تجاری و خدماتی، کاربری بهداشتی و درمانی، کاربری مذهبی، کاربری اداری و انتظامی، کاربری حمل و نقل و انبار، کاربری تاسیسات و تجهیزات، کاربری صنعتی که مختص به کارخانه آسفالت در قسمت جنوب روستا و خارج از محدوده کالبدی روستا است، کاربری ورزشی، کاربری بایر، کاربری معابر و کاربری گورستان.

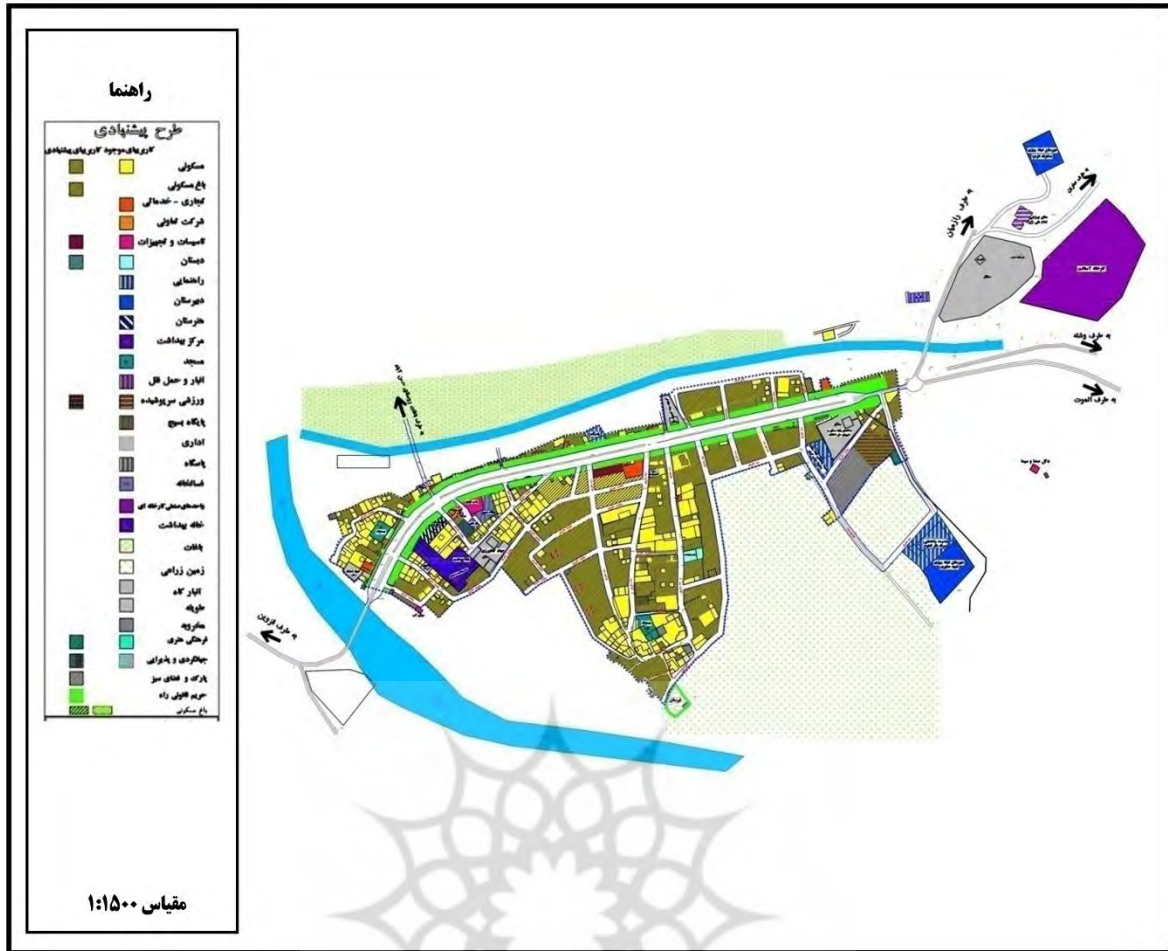
موقعیت استقرار و ویژگی های خاص روستای رجایی دشت شرایطی را بر وضعیت فعلی استقرار واحدهای مسکونی روستا حاکم کرده است. مهمترین عامل محدود کننده توسعه را شاید بتوان عامل توپوگرافی شدید در شمال روستا و برخی مواضع اطراف روستا دانست. همچنین اراضی مرغوب زراعی در قسمت شمال شرقی روستا، باغات در جنوب شرقی و جنوب غربی روستا و رودخانه که در قسمت غرب و جنوب غربی و جنوب شرقی روستا است.



تصویر ۳: تصویر هوایی روستای رجایی دشت

منبع: گوگل ارث

نقشه زیر، توزیع کاربری وضع موجود و کاربری پیشنهادی روستای رجایی دشت را نشان می دهد.



نقشه شماره ۲: کاربری وضع موجود و پیشنهادی روستای رجایی دشت

منبع: طرح هادی روستای رجایی دشت

شناخت وضع موجود روستای فلار

روستای فلار در دهستان رودبار شهرستان از بخش رودبار الموت غربی، از توابع شهرستان قزوین، قرار گرفته است. به دلیل قرارگیری هر دو روستای رجایی دشت و فلار در بخش رودبار الموت غربی، مرکزیت بخش همان شهر رازمیان است. براساس اطلاعات به دست آمده از نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵، روستای فلار دارای جمعیتی معادل ۱۶۳ نفر و به تفکیک ۸۴ مرد و ۷۹ زن می باشد که مجموعاً ۶۷ خانوار را تشکیل می دهند (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵).

براساس اطلاعات موجود از طرح هادی روستای فلار، مصوب سال ۱۳۹۲ از بنیاد مسکن انقلاب اسلامی استان قزوین، مشخص می شود که روستای فلار به لحاظ خدمات بهداشتی - درمانی تحت نفوذ روستای بهرام آباد می باشد. با توجه به اطلاعات اخذ شده از خانه بهداشت روستای بهرام آباد، در این روستا از سال ۱۳۸۸ تا سال ۱۳۹۱ هیچ گونه مهاجرتی اعم از درون کوچی و برون کوچی اتفاق نیفتاده است. بررسی ویژگی اجتماعی بین ساکنین بیانگر آن است که طایفه‌های اولیه و قدیمی روستا برای ایجاد همبستگی و مرکزیت تجمع اقدام به ساخت مسجد در جوار امامزاده نمودند و اولین مسکن را در پیرامون آن بنا کرده اند. ساخت مسجد و بنای امامزاده در این روستا بیانگر وجود روابط همسایگی و همدلی ساکنین روستا بوده و عوامل دیگر تاثیر چندانی نداشته است. با توجه به این مسئله که اقوام کنونی روستا این منطقه را که دارای زمین های حاصلخیز و آب جهت امور کشاورزی می باشند را

برای معیشت انتخاب نموده اند، ولی در سال های اخیر عدم وجود آب کافی جهت امور کشاورزی سبب خالی شدن جمعیت به ویژه جوانان از این روستا گردیده است (طرح هادی روستای فلار، ۱۳۹۲: ۶۳).

با استناد به اطلاعات حاصل از برداشت میدانی، مشخص می شود که با وجود نقاط بالقوه جهت گردشگری روستای فلار، ساکنین روستا هیچ گونه علاقه ای برای ورود گردشگر ندارند. این موضوع، حاصل رخدادها و اتفاقات بسیاری است که در دهه های گذشته بروز کرده است. این در شرایطی است که روستای فلار، بسیاری از پتانسیل های ورود گردشگر را دارد.

براساس اطلاعات موجود از طرح هادی روستای فلار، مصوب سال ۱۳۹۲ از بنیاد مسکن انقلاب اسلامی استان قزوین، اقتصاد روستای فلار متکی به فعالیت های کشاورزی و وابسته به آن است. سطح زیر کشت روستا حدود ۲۳۰ هکتار می باشد. از این مقدار حدود ۱۳۰ هکتار اراضی زراعی می باشد. همچنین ۱۰۰ هکتار اراضی کشاورزی روستا را نیز محصولات باغی می باشد. بیشتر اراضی کشاورزی روستا در پیرامون روستا واقع شده است. محصولات زراعی روستا شامل: لوبیا و چغندر و محصولات باغی نیز شامل: انگور، آلبالو، فندق و گردو می باشد. آب مورد نیاز کشاورزی از طریق رودخانه تامین می شود. در این میان، روستای فلار فاقد دام و طیور است (طرح هادی روستای فلار، ۱۳۹۲: ۷۰). روستا در ناحیه کوهستانی با آب و هوای مطبوع قرار دارد، نزدیکی به شهر قزوین و رازمیان همچنین با توجه به شرایط آب و هوایی مناسب و داشتن اراضی حاصلخیز همانند دیگر نقاط کشور به تبعیت از قیمت مسکن باعث گرانی مسکن در سال های اخیر گشته است.

به طور کلی از لحاظ کیفی ابنیه موجود در روستا به ۳ سطح و گروه قابل تقسیم می باشند که عبارتند از:

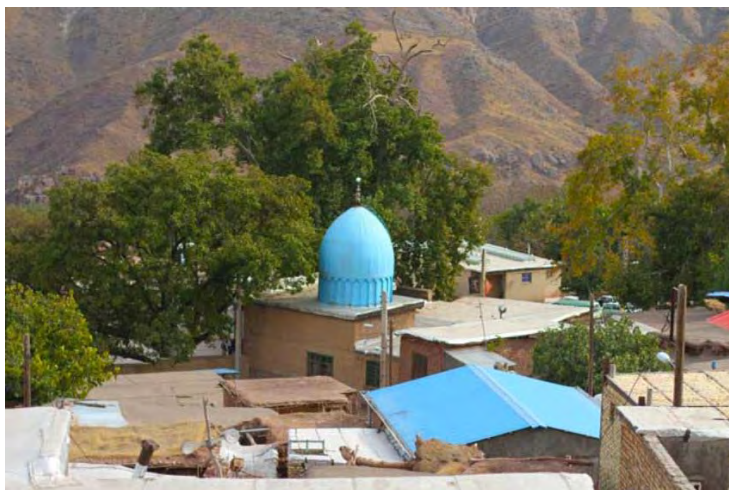
- ✓ نوساز: واحدهای نوساز که تعداد ۱۳ قطعه با ۱۳.۵ درصد از کل ساختمان های روستا را شامل می شود.
- ✓ مرمتی: در این روستا تعداد ۳۰ قطعه با حدود ۳۱.۲ درصد از ساختمان ها مرمتی هستند.
- ✓ تخریبی: تعداد ۵۳ واحد با ۵۵.۳ درصد از ساختمانهای روستای فلار تخریبی می باشند (طرح هادی روستای فلار، ۱۳۹۲: ۷۲).



تصویر ۴: تصویر هوایی روستای فلار

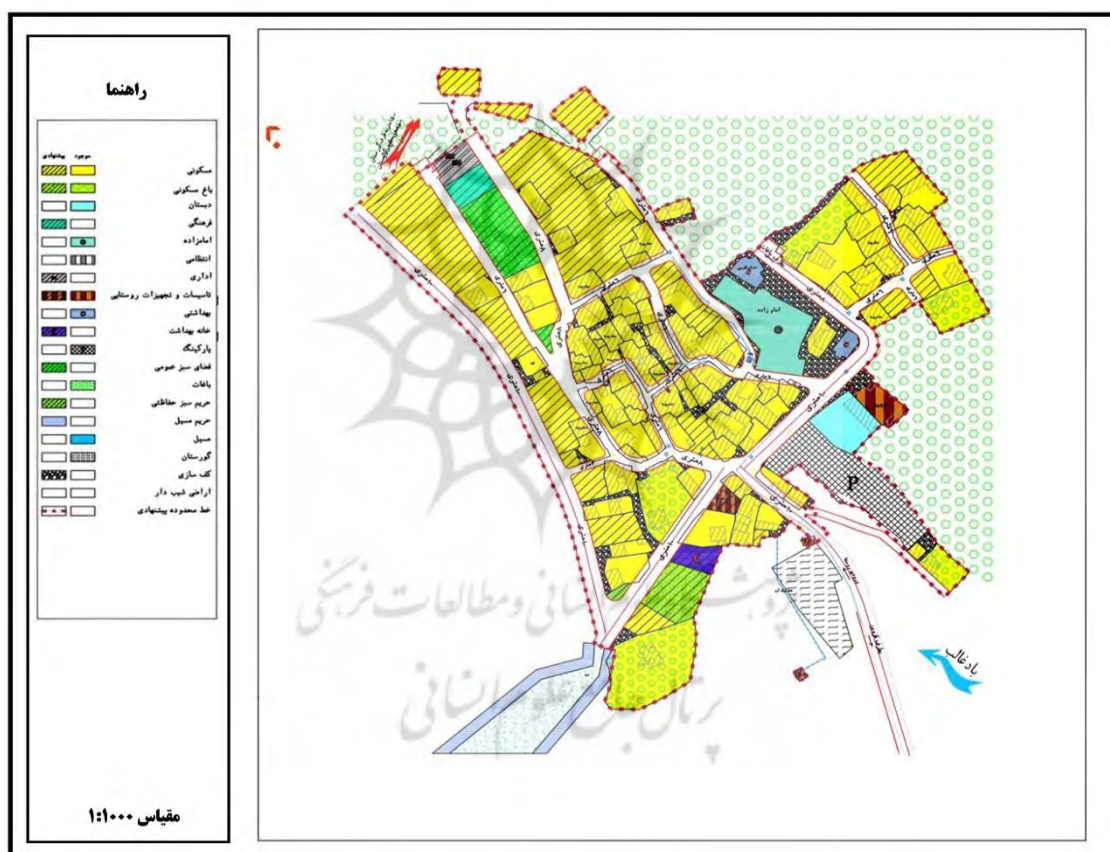
منبع: گوگل ارث

در بافت ارگانیک یا بافت قدیم ساختمان‌ها عمدتاً از قدمت بالایی برخوردار می‌باشند و عموماً از مصالح بومی خشت و گل و چوب ساخته شده‌اند. تمام ساختمان‌های موجود یک طبقه می‌باشند. غالب تشکیل دهنده واحد مسکونی در این روستا شامل اتاق نشیمن، مهمان، ایوان، انبار و حیاط و باغچه است که ترکیبی این عناصر در واحد سطح صورت گرفته و همگی دور تا دور حیاط را فرا گرفته‌اند از نظر سازه‌ای هیچ نوع کلاف بندی افقی و قائم در پی و یا دیوارهای بنا صورت نگرفته است. مسائل ایستایی و استحکام بنا در مقابل زلزله و لرزش پیش بینی نشده است و درصد رخ دادن مخاطرات طبیعی در این قسمت‌های بافت روستا به مراتب بیشتر است. در بافت جدید ابعاد زمین تابعی از میزان امکانات مالی است و ضابطه عمده و تعیین کننده قطعات نیز همین است. کوچه‌های منظم از مشخصه‌های این بافت است. در این بافت امکان درجه بندی معیار نسبتاً آسان می‌باشد. زیرا ابنیه به صورت خانه‌های به سبک جدید پراکنده شده‌اند و مصالح ساختمانی متفاوت با معماری گونه‌های برون‌گرا از ویژگی‌های بارز اینگونه ابنیه می‌باشد که جلوه‌ای زیبا به بافت حاشیه‌ای روستای فلار بخشیده است. در نتیجه آنچه بافت روستای فلار را حائز ارزش نموده است همان ویژگی‌های طبیعی طبیعت منحصر به فرد روستا، باغات و رودخانه پیرامون روستا و طبیعت بکر آن می‌باشد (طرح هادی روستای فلار، ۱۳۹۲: ۷۵).



تصویر ۵: مسجد روستای فلار منبع: نگارنده

نقشه زیر، توزیع کاربری وضع موجود و کاربری پیشنهادی روستای رجایی دشت را نشان می دهد.



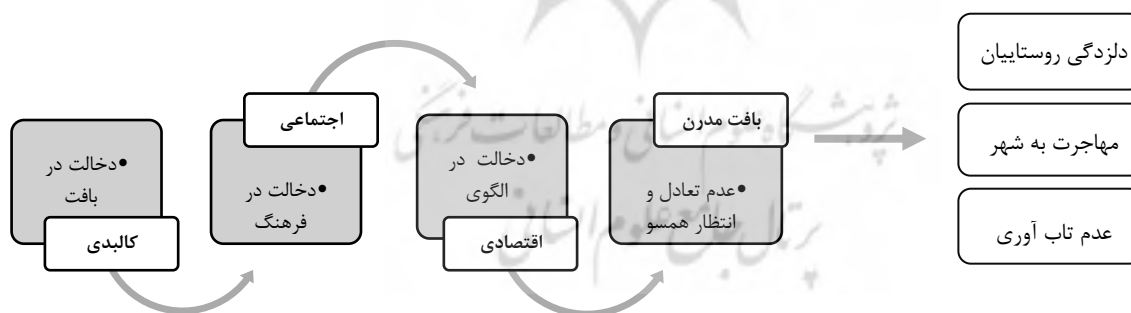
نقشه شماره ۳: کاربری وضع موجود و پیشنهادی روستای فلار منبع: طرح هادی روستای فلار

علل اهمیت توجه به بافت ارگانیک روستایی

یکی از نظریه پردازان بنام در عرصه پایداری اکوسیستمی، نانسی مک پرسون است. وی شیوه جدیدی را به منظور تصمیم گیری در حوزه استراتژی توسعه مطرح می کند. این استراتژی ها با عناوین استراتژی حفاظت، برنامه های عملی زیست محیطی، برنامه برای قرن ۲۱ در مقیاس ملی و محلی، نام گرفته اند. نکته کلیدی در این مطالعات، انتخاب آن دسته از شاخص ها و پارامترهایی است که موجب ورود مردم و یا به عبارتی، مشارکت در سطح ملی و

محلی می‌شود (طیبیان، ۱۳۷۸: ۵). به عبارت دیگر، نظریه مطرح شده از سوی ناسی مک پرسون، عدم دخالت در اکوسیستم است. با الهام از نظریه این اندیشمند، می‌توان ضوابط را براساس بافت ارگانیک روستایی تعمیم داد. بافت ارگانیک روستایی به معنای شکل‌گیری بافت براساس وضعیت اجتماعی- فرهنگی اهالی، اقتصادی روستا و مباحث زیست محیطی است که باید برنامه‌ریزی شده باشد. این موضوع به هیچ‌عنوان به معنای رهاسازی امر شکل‌گیری روستا و ایجاد بافت بدون برنامه‌ریزی و فکر و منطق نیست. بنابراین دخالت انسان فقط در حد جهت‌دهی و تاب‌آور نمودن روستا می‌باشد که گامی در راستای توسعه پایدار است. برای این منظور باید شناخت جامع و کاملی از شرایط اجتماعی- فرهنگی، اقتصادی و زیست محیطی هر سکونتگاه و روستایی به دست آورد و بعد از آن به ایجاد رشد و توسعه بافت کالبدی روستایی به صورت ارگانیک پرداخت.

دلیل اهمیت ارگانیک بودن توسعه روستایی، در تاب‌آور بودن آن و پایدار ماندن جوامع است. چرا که اگر بافت کالبدی هر جامعه‌ای مبتنی بر عوامل سه‌گانه اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی برقرار گردد، کاملاً تاب‌آور در مواقع بحرانی خواهد گردید. ایجاد بافت ارگانیک روستایی بر مبنای مولفه اجتماعی و فرهنگی، عاملی جهت مهاجرپذیری و رونق جامعه روستایی می‌شود و مانع از بی‌هویتی روستا، افزایش اصالت منطقه‌ای و عزت نفس روستاییان خواهد شد. همچنین در صورتی که بافت روستایی، ارگانیک باشد، بالطبع برگرفته از مباحث اقتصادی خواهد بود به طوری که علاوه بر افزایش تولیدات روستایی و پاسخدهی به نیاز درونی روستا، منجر به صادرات محصولات بومی به حوزه نافذ خود خواهد شد. همین امر مهم‌ترین موضوع در عدم مهاجرفرستی روستا و افزایش ترغیب ادامه زندگی در روستاها می‌شود. در زمینه زیست محیطی نیز، در شرایطی که بافت کالبدی روستا ارگانیک و مبتنی بر عوامل جغرافیایی، اقلیم، آب و هوا و... شکل گرفته باشد، روستا به خودی خود می‌تواند بازده در شرایطی نظیر به راه افتادن سیلاب، طوفان، آتشفشان و از این قبیل موارد، باشد.



نمودار شماره ۱: فرآیند دخالت در بافت ارگانیک و عدم تاب‌آوری روستا

منبع: نگارنده

در نهایت بافت کالبدی روستایی باید به مواردی از جمله بافت ارگانیک روستا، نوع همسایگی و تراکم و پراکندگی بافت، نوع کاربری روستایی و معماری اقلیمی هر منطقه توجه داشته باشد و با در نظرگیری حد ارتفاع اماکن و الگوی بومی منطقه، به پایداری کالبدی روستا کمک کند. در زمینه کالبدی، احیا فضای جمعی روستایی مانند مراکز محلات و مراکز روستایی، با توجه به تعیین کاربری‌های لازم، قدمی مثبت در جهت تاب‌آوری می‌باشد.

جدول شماره ۱: ضوابط پایه جهت توجه به بافت ارگانیک روستایی

اهم ضوابط توجه به بافت ارگانیک روستایی
۱ تزریق امکانات به صورت مجموعه از روستاها به طور نامحسوس و پنهان

۲ تاسیسات و تجهیزات روستایی به صورت فقدان نمود بصری و توجه به سیمای روستا

۳ ساماندهی درون بافتی امکانات روستایی در صورت لزوم

منبع: نگارنده

بافت کالبدی روستاهای ایران ضمن برخورداری از ارزش های معماری دارای الگوهای بصری و زیبا شناختی، انطباق با محیط طبیعی، هماهنگی با عملکرد زیستی، معیشتی، استفاده از مصالح و دانش بومی است. در این میان، بافت کالبدی برخی از روستاهای کشور به دلیل برخورداری از ویژگی های خاص معماری، تاریخی و فرهنگی به عنوان میراثی ارزشمند و بجای مانده از نیاکان ما به شمار می رود. (مهردوی و همکاران، ۱۳۹۵)

الگوهای رفتاری از جمله عوامل تاثیر گذار بر کیفیت نوسازی روستایی است. سازماندهی الگوهای رفتاری در پروسه نوسازی می تواند، سبب حیات یا مرگ تدریجی روستاها شود. در واقع حفظ ارتباط کالبد با الگوهای رفتار بومی بر مفاهیم خلوت، فضای شخصی، ازدحام و قلمرو تاثیر می گذارد و این مفاهیم برخاسته از فرهنگ بومی هر روستا می باشند. (شمس الدین، ۱۳۹۷)

متأسفانه امری که در دهه های اخیر مرسوم شده است، دخالت شدید نیروهای انسانی در توسعه بافت ارگانیک روستایی است که عموماً بدون برنامه ریزی بلند مدت، فاقد شرایط استاندارد و زیان آور است که از خروجی های بارز آن می توان به عدم تاب آوری و کاهش پایداری اشاره نمود. یکی از ابزارهایی که عامل اصلی این دخالت می باشد، طرح های هادی روستایی است که با نگاه غالب کالبدی بدون در نظرگیری صددرصدی مباحث اجتماعی و اقتصادی و زیست محیطی، بافت ساختاری روستا را تشکیل می دهد. در طرح های هادی، تمام مولفه ها اعم از اجتماعی و اقتصادی و زیست محیطی مورد بررسی قرار می گیرند ولی در نهایت در قسمت مطالعات کالبدی، این مولفه ها به عنوان شاخص ها و معیارهای اصلی در نظر گرفته نمی شوند.

افزایش بهره مندی از بافت ارگانیک روستایی در روستاهای رجایی دشت و فلار

با توجه به بافت ارگانیک روستایی، اگر قرار بر ایجاد فعالیت هایی در زمینه خدمات باشد، باید ابتدا تمام مولفه های اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی بررسی شوند و پس از آن، تاب آورترین اقدامات و تصمیمات، اتخاذ گردد.

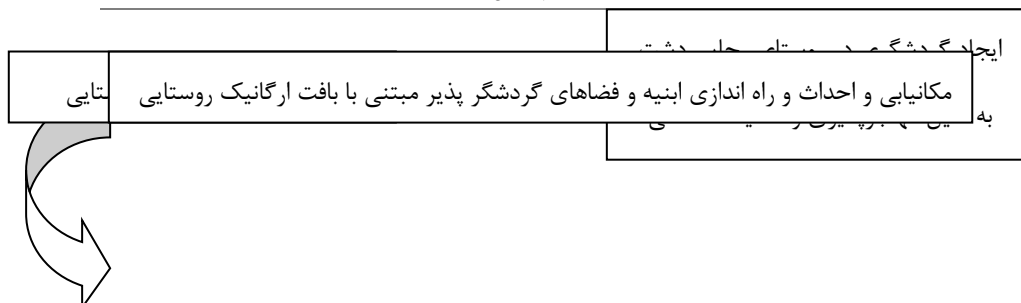
جدول شماره ۲: مدل مفهومی ارتقا تاب آوری و پایداری روستای رجایی دشت

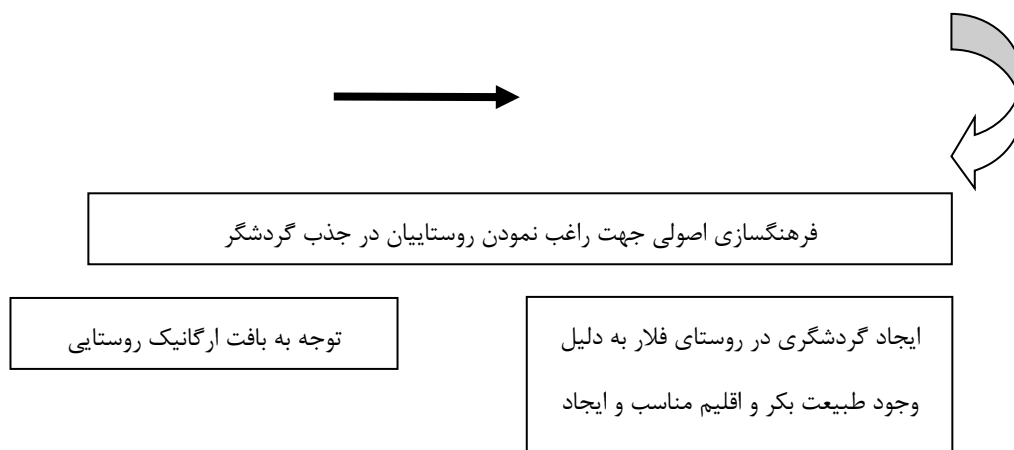
روستای رجایی دشت	
مولفه اجتماعی	روستایی با قابلیت مهاجرپذیری
مولفه اقتصادی	فعالیت های چشمگیر در بخش خدمات
مولفه زیست محیطی - کالبدی	واقع در محدوده سوق الجیشی و استراتژیک

منبع: نگارنده

جدول شماره ۳: مدل مفهومی ارتقا تاب آوری و پایداری روستای فلار

روستای فلار	
مولفه اجتماعی	روستای مهاجرفرست با میزان مهاجرپذیری صفر
مولفه اقتصادی	فعالیت های چشمگیر در بخش کشاورزی
مولفه زیست محیطی - کالبدی	محاط در باغات و رودخانه ها و طبیعت بکر پیرامونی روستا





منبع: نگارنده

تحلیل یافته‌ها

جهت ارتقا صحت پژوهشی، نظر روستاییان روستاهای رجایی دشت و فلار، ملاک عمل بوده است. در این راستا، براساس جمعیت ۷۵۶ نفری روستای رجایی دشت و ۱۶۳ نفری روستای فلار، با تعدادی از افراد، مصاحبه و پرسشگری شده است. دسته بندی سوالات به صورت نظام بندی اجتماعی، اقتصادی، زیست محیطی و کالبدی می باشد که پاسخ ها در طیف خیلی کم تا خیلی زیاد، مطرح شده اند. سوالات مطرح شده در بعد اجتماعی به رضایتمندی از سکونت در روستا، میزان موافقت با به روز رسانی کشاورزی و دامداری، وجود رابطه مستقیم بین خودباوری و عدم مهاجرت به شهر و در نهایت اعطا طرح تشویقی در راستای مهاجرت معکوس، اشاره دارد. در بعد اقتصادی، مواردی مانند افزایش درآمدزایی در راستای به روز رسانی کشاورزی، تاثیر درآمدزایی در خودکفایی، افزایش خودکفایی و تاثیر در ادامه زندگی در روستا، میزان موافقت با ورود سرمایه گذار خارجی با مدیریت افراد بومی روستا، مورد پرسش از روستاییان بوده است. در زمینه محیط زیستی و کالبدی نیز مباحثی پیرامون انطباق روستا بر مبنای شرایط جغرافیایی، میزان موافقت استفاده از مصالح سازگار با اقلیم، به کار گیری معماری بومی روستایی، رضایتمندی از اجرای طرح های هادی روستایی، موافقت با مدیریت بومی روستایی به روش کدخدا منشی، از روستاییان رجایی دشت فلار، پرسش شده است.

در ادامه، با استفاده از تحلیل های آماری، می توان پاسخ های منطقی براساس نظرات روستاییان به سوالات تحقیق داد.

آزمون سؤال ۱: در جدول زیر نتایج حاصل از تحلیل t تک نمونه‌ای یا t تک گروهی آمده است. در این جدول نمره پایداری و توسعه پایدار برای سه شاخص کالبدی، اقتصادی و اجتماعی گروه نمونه با نمره استاندارد ۴ مقایسه شده است.

جدول شماره ۴: تحلیل t تک نمونه برای مقایسه میانگین امتیازات شاخص‌های پایداری در گروه نمونه با نمره معیار

متغیر	میانگین	انحراف استاندارد	نمره معیار	t	Sig. (2-tailed)
پایداری	۳.۷۶	۰.۳	۴	-۱۴.۳۵۵	Sig.<۰/۰۰۱

منبع: نگارنده

همان‌گونه که در جدول بالا مشاهده می‌شود میانگین نمره شاخص‌های پایداری در گروه نمونه ۳.۷۶ با انحراف استاندارد ۰.۳ بود که به‌طور معناداری (Sig.<۰/۰۰۱) از میانگین معیار ۴ پایین‌تر بود. بنابراین می‌توان گفت که

ارتباط معناداری بین شاخص‌های پایداری و امتیازات به‌دست‌آمده وجود ندارد و در نتیجه می‌توان گفت که امروزه روستای رجایی دشت و فلار متجلی شاخص‌های پایداری و توسعه پایدار نمی‌باشند.

آزمون سؤال ۲: در جدول زیر نتایج حاصل از تحلیل t تک نمونه‌ای یا t تک گروهی آمده است. در این جدول میانگین نظرات گروه نمونه در مورد میزان موفقیت و کارایی طرح‌های هادی روستایی با نمره استاندارد ۴ مقایسه شده است.

جدول شماره ۵: تحلیل t تک نمونه برای مقایسه میانگین امتیازات میزان موفقیت و کارایی طرح‌های هادی روستایی در گروه نمونه با نمره معیار

متغیر	میانگین	انحراف استاندارد	نمره معیار	t	Sig. (2-tailed)
میزان موفقیت و کارایی طرح‌های هادی روستایی	۳	۱.۱۳۶	۴	-۱۶.۴	Sig.<۰/۰۰۱

منبع: نگارنده

همان‌گونه که در جدول بالا مشاهده می‌شود میانگین نمره نظرات گروه نمونه در مورد میزان موفقیت و کارایی طرح‌های هادی روستایی ۳ با انحراف استاندارد ۱.۱۳۶ بود که به‌طور معناداری (Sig.<۰/۰۰۱) از میانگین معیار ۴ پایین‌تر است؛ بنابراین می‌توان گفت که ارتباط معناداری بین میزان موفقیت و کارایی طرح‌های هادی روستایی و امتیازات به‌دست‌آمده وجود ندارد و در نتیجه می‌توان گفت که در روستای رجایی دشت و فلار، اجرای طرح‌های هادی روستایی باعث افزایش ظرفیت پایداری و تاب‌آوری این روستاها به‌طور معنادار نگشته‌اند.

آزمون سؤال ۳: در جدول زیر نتایج حاصل از تحلیل t تک نمونه‌ای یا t تک گروهی آمده است. در این جدول نمره تأثیر بارگذاری کاربری‌های متفاوت با شکل زیرساخت‌های شهری در روستاها با حفظ سیمای کالبدی در توسعه پایدار از نظر گروه نمونه با نمره استاندارد ۴ مقایسه شده است.

جدول شماره ۶: تحلیل t تک نمونه برای مقایسه میانگین امتیازات شاخص‌های پایداری در گروه نمونه با نمره معیار

متغیر	میانگین	انحراف استاندارد	نمره معیار	t	Sig. (2-tailed)
تأثیر بارگذاری کاربری‌های شهری بر توسعه پایدار	۳.۶	۰.۶۵	۴	-۱۱.۵۸	Sig.<۰/۰۰۱

منبع: نگارنده

همان‌گونه که در جدول بالا مشاهده می‌شود میانگین نمره تأثیر بارگذاری کاربری‌های متفاوت با شکل زیرساخت‌های شهری در روستاها با حفظ سیمای کالبدی در توسعه پایدار از نظر گروه نمونه با نمره استاندارد ۴ مقایسه شده است.

میانگین نظرات گروه نمونه ۳.۶ با انحراف استاندارد ۰.۶۵ بود که به‌طور معناداری (Sig.<۰/۰۰۱) از میانگین معیار ۴ پایین‌تر است؛ بنابراین می‌توان گفت که ارتباط معناداری بین بارگذاری کاربری‌های متفاوت با شکل زیرساخت‌های شهری در روستاها با حفظ سیمای کالبدی و توسعه پایدار وجود ندارد. این بدین معناست که ارتقای بخشی یا رشد یکی از شاخص‌های پایداری نمی‌تواند به تنهایی در توسعه پایدار وجود ندارد. این بدین معناست که ارتقای بخشی یا رشد نیازمند توسعه همه‌جانبه در شاخص‌های مختلف خواهد بود.

نتیجه‌گیری و دستاورد علمی پژوهشی

طرح هادی مهمترین برنامه دولت برای ساماندهی و توسعه روستاهای کشور محسوب می‌گردد که ضمن ساماندهی و اصلاح بافت فیزیکی روستا، روند توسعه و گسترش آن را در افق ده ساله مشخص می‌نماید. بنابراین تهیه طرح هادی و اجرای آن در روستا بدون شک با دگرگونی در ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و کالبدی روستا همراه است.

به عبارت دیگر هرگونه برنامه‌ای که در هر یک از ابعاد اقتصادی، اجتماعی و کالبدی پیشنهاد گردد و به اجرا درآید بدون شک سایر ابعاد روستا را نیز تحت تاثیر قرار می‌دهد. حال اگر بدون شناخت کامل و همه جانبه از ساختار اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و طبیعی روستا برای این سکونتگاهها برنامه‌ای طراحی گردد و به منتهی اجرا درآید نتایجی که حاصل می‌شود طبیعتاً برخلاف آن چیزی خواهد بود که برای طرح تدوین شده پیش بینی شده است.

بررسی‌های نظری و تجربی طرح هادی روستایی نشان داد که سکونتگاه روستایی دارای ابعاد مختلفی است که نمی‌توان تنها از یک بعد (کالبد) و با ارائه برنامه‌های سطحی به آن نگریست. همچنانکه نتایج ارزشیابی‌های صورت گرفته بر روی اثرات اجرای طرح هادی در سطح کشور نشان می‌دهد، اگرچه طرح هادی به بهسازی و نوسازی مسکن روستایی و همچنین اصلاح معابر و تحدید محدوده قانونی روستا توجه دارد اما نتایج و پیامدهای نامطلوبی مانند: بی‌اعتنای نسبت به دستاوردهای کالبدی طرح از جانب روستائیان و نهادهای محلی، محدود شدن ساخت و ساز و کمبود زمین و افزایش قیمت زمین و در نهایت بروز پدیده مهاجرت در روستاها (معاونت عمران روستایی، ۱۳۸۸: ۲۳۳-۲۴۲)، حذف تدریجی توانمندی‌های بومی، گسستگی در بافت و سیمای روستای توسعه نامتقارن روستا (ترکاشوند، ۱۳۸۸)، بی‌توجهی به تفاوت‌های مکانی- فضایی و تنوعات بارز محیطی - اکولوژیک و حرکت در راستای یکسان سازی فضاهای مختلف و متنوع روستایی، نبود ضمانت اجرایی طرح پیشنهادی، فقدان مطالعات همه جانبه نگر در ارتباط با عوامل طبیعی موجود در محیط روستا، نبود آشنایی با اصول حفاظت محیط زیست (لنگرودی، یاری، ۵۶: ۱۳۸۹-۵۷)، عدم توجه به خواسته‌ها و نیازهای روستائیان (غلامرضایی، ۱۳۸۲: ۴۰)، از بین رفتن اراضی زراعی (محمدزاده، ۱۳۸۶) را در بر داشته است.

در این پژوهش با جویا شدن نظر ساکنین روستاهای رجایی دشت و فلار شروع کردیم و به دگرگونی‌های ایجاد شده در روستا و عوامل نامشهود و موثر بر این دگرگونی‌ها دست یافتیم. چگونگی عملکرد پروژه‌ها و برنامه‌های طرح هادی در ساختار کالبدی- فضایی سکونتگاههای مورد مطالعه در چهار معنای کلی خلاصه شد.

- عدم مشارکت با روستائیان در فرآیند تهیه طرح هادی؛
 - حاکمیت دیدگاه تک بعدی در طرح هادی؛
 - عدم واقع گرایی در فرآیند برنامه ریزی؛
 - عدم اولویت بندی برنامه‌ها و پروژه‌های پیشنهادی؛
- خود این معناها در اثر عوامل دیگری بروز نموده است که به عنوان عوامل زمینه ساز شکل گیری این مفاهیم تشخیص داده شده است که عبارتند از:

- حاکمیت دیدگاه سطحی نگرانه نسبت به مسائل روستا،
- فقدان عوامل نظارتی در مراحل تهیه و اجرای طرح و نبود تناسب میان مسئولین و تخصص آنها در زمینه برنامه‌های توسعه روستایی.

علاوه براین، مشکلاتی که برای مشاور در زمان تهیه طرح هادی وجود دارد به عنوان شرایط میانجی و مداخله گر ذکر شده اند .

یافته‌ها نشان می‌دهد که طرح هادی چگونه براساس شرایط و زمینه‌های مشخص منجر به بروز دگرگونی‌هایی در میان سکونتگاههای روستایی مخصوصاً دگرگونی در بافت و نهایتاً ناپایداری و به حداقل رسیدن تاب آوری شده است که به هیچ عنوان انتظار آن نمی‌رفت.

اولویت قرار گرفتن برنامه‌های کالبدی برای روستا و از این راه توسعه در ابعاد اقتصادی - اجتماعی در شرایطی که نظارت مناسب بر چگونگی تهیه و اجرای طرح و توسط متخصصین امر صورت نمی‌گیرد، یک امر بسیار سطحی نگرانه محسوب می‌شود که چنانچه در تدوین طرح مشارکت واقعی با مردم روستا صورت نگیرد همچنین ساختار اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی روستا مورد توجه قرار نگیرد و در زمان اجرای برنامه‌های پیشنهاد شده تمامی سازمانهای زیربط همسو و هم جهت فعالیت نداشته باشند منجر به بروز دگرگونی‌های در سکونتگاههای روستایی می‌گردد که در بسیاری موارد جبران ناپذیر است.

با توجه به آنچه که تا اینجای کار در ضرورت نگاه به نقش طرح هادی در دگرگون سازی کالبدی - فضایی روستاهای مورد مطالعه بیان شد به نظر می‌رسد که لازم است تا چگونگی تهیه و اجرای طرح هادی در سکونتگاههای روستایی با در نظر گرفتن نظریه‌های مشارکتی و توسعه ای و با توجه به نظام ساختاری - کارکردی سکونتگاهها به لحاظ ابعاد اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و کالبدی مورد توجه سیاست گذاران کشور قرار گیرد و در برنامه ریزی های توسعه روستایی با نگاه عمیقتر به مسائل روستایی و بحث توسعه پایدار و به دنبال آن تاب آوری نگریسته شود.

همچنین بهره‌گیری از نیروهای متخصص به صورت گروهی و نظام مند و با ارائه ی برنامه‌های بلند مدت در مباحث توسعه روستایی از موارد ضروری و بسیار مهم در تحقق اهداف در نظر گرفته شده برای توسعه روستا محسوب می‌گردد.

بنابراین باید گفت که: طرح هادی روستایی علی‌رغم اثرات مثبتی که داشته است، به علت کنار گذاشتن مردم در مرحله تهیه طرح و مقدمات پیش از آن و همچنین به علت نوع تفکر حاکم بر طرح هادی (تک بعدی) قادر به پاسخگویی نیازهای مهمتر و اساسی تر و واقعی روستائیان نیست و علاوه براین، پیامدهایی را در ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، زیست محیطی و روان شناختی و خصوصاً تغییر در بافت ارگانیک و عدم تاب آوری برای روستاها بوجود آورده است که زمینه را برای بروز مسائل جدید بوجود آورده است.

پایداری هر سکونتگاهی در گرو تاب آوری آن است. منشا و منبع تاب آوری در مولفه زیست محیطی است، به طوری که اگر هر جامعه ای بتواند در برابر حوادث طبیعی و غیر طبیعی، عکس العمل مثبت و خنثی کننده از خود نشان دهد، تاب آوری به حداکثر میزان خود می‌رسد. مولفه اجتماعی و میزان تعهد آوری آن، از مهم ترین عوامل پیشبرد تاب آوری در هر سکونتگاهی می‌باشد

مهم ترین موضوعی که در این زمینه و جهت افزایش تاب آوری هر سکونتگاهی، به ویژه روستاها مطرح می‌شود، توجه به بافت ارگانیک روستایی است. براساس این مولفه، در ابتدای هر طرح توسعه ای، باید تمام جوانب در نظام های اجتماعی - فرهنگی، اقتصادی و زیست محیطی روستاها بررسی شوند و مطابق با آن، پیشنهادات کالبدی و منطبق با بافت ارگانیک روستاها، ارائه گردد. در این میان نکته حائز اهمیت، میزان مشارکت روستائیان و راهکاردهی

آنان در طرح هاست. به هر میزان که دخالت غیرطبیعی در روستاها کاهش یابد و در نظرگیری موارد بومی و محلی افزایش یابد، تاب آوری و به دنبال آن، پایداری نیز ارتقا خواهد یافت. این مهم محقق نمیشود مگر در اجرای طرح هادی بومی سازی شده و مناسب با بافت و ویژگی های خاص هر روستا.

بنابراین زمانی می توان طرح هادی را به عنوان سند توسعه روستایی مدنظر قرار داد که موارد زیر مورد توجه قرار گیرد:

✓ تجدید نظر در تفکر حاکم بر طرح هادی و بهره‌گیری از نظریات و روش های علمی پویا و همه جانبه نگر در تدوین شرح خدمات طرح هادی؛

✓ توجه به نظریه‌ها و دیدگاههای برنامه ریزان و متخصصین مسائل روستایی در تدوین طرح هادی؛

✓ تدوین شرح خدمات های تهیه طرح هادی برای پهنه‌های مختلف کشور در ابعاد مختلف؛

✓ تغییر در نگرشهای سطحی و توجه جدی تر به تفکرات عمقی نگرانه به مسائل روستا؛

✓ بهره‌گیری از کارشناسان و متخصصان در ابعاد مختلف تهیه طرح هادی و همچنین نظارت برچگونگی تهیه طرح هادی روستایی؛

✓ بهره‌گیری از مشارکت روستائیان در مرحله تهیه طرح و مقدمات تهیه در دو بخش خودیاری و بهره‌گیری از همفکری و نظرات در راستای شناخت دقیق نیازمندیها و اولویت بندی آنها؛

✓ افزایش حق الزحمه تهیه طرح هادی و حمایت مادی و معنوی از مشاورین تهیه کننده طرح؛

توجه به اهمیت و نقش بیشتر رسانه، فیلم، مجلات و صنایع فرهنگی و حتی سرمایه داری در شکل دهی و نظام روستایی و روند دگرگونی آن و شناساندن جایگاه آن در مقابل نظام شهری.

در پایان ضمن تاکید بر طرح هادی هدفمند و بومی به این نتیجه می رسیم که توجه به بافت ارگانیک روستا و حداقل دخالت در این بافت منجر به پایداری و تاب آوری بیشتری در سکونتگاه‌های روستایی می شود.

منابع

۱. سعیدی، عباس، ۱۳۸۹، محیط، فضا و توسعه بحثی در ضرورت توسعه یکپارچه روستایی، شهری، فصلنامه مسکن و محیط روستا، شماره ۱۳۱.
۲. شمس الدین، بتول، شاهچراغی، آزاده، ماجدی، حمید، ۱۳۹۷، جایگاه الگوهای رفتاری روستائیان در شیوه‌های نوسازی کالبدی روستا، فصلنامه علمی-پژوهشی جغرافیا(برنامه ریزی منطقه ای)، سال نهم، شماره ۴، صص ۳۰۲-۲۸۹.
۳. طبیبیان، منوچهر، ۱۳۷۸، تعیین شاخص های پایداری و نماد آن در محیط زیست، فصلنامه محیط شناسی، دوره ۲۵، شماره ۲۴.
۴. کریمی، فریبرز، ۱۳۸۵، طرح هادی روستای رجایی دشت، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی استان قزوین.
۵. لک، آزاده، عزیزخانی، افتخار، ۱۳۹۵، ادراک ساکنان از همبندی بافت قدیم و رشد جدید سکونتگاه انسانی (نمونه موردی: روستای تاریخی قهی)، فصلنامه مسکن و محیط روستا، شماره ۱۶۰.
۶. مقدم فر، محمد، ویسی، ناکو، ۱۳۹۳، معماری سنتی روستایی و تطبیق آن با معماری ارگانیک مدرن در روستاهای کردستان (مطالعه موردی: بررسی روستای روار (رودبار) شهرستان سروآباد استان کردستان)، کنفرانس ملی شهرسازی، مدیریت شهری و توسعه پایدار.
۷. منظم اسماعیل پور، علی، غفاریان خرم، مهگل، ۱۳۹۵، بررسی بافت روستایی با توجه به اقلیم روستا در معماری روستایی (نمونه موردی: روستای کنگ)، اولین کنفرانس بین المللی و سومین کنفرانس ملی معماری و منظرشهری پایدار.

۸. مهدوی، داوود، نوروزی، اصغر، میر امینی، فاطمه، ۱۳۹۵، بهسازی بافت با ارزش روستایی و نقش آن بر توسعه صنعت گردشگری روستایی (مطالعه موردی: روستاهای ابیان، طره، سرآقاسید و یا سه چای)، فصلنامه علمی-پژوهشی جغرافیا (برنامه ریزی منطقه ای)، سال هفتم، شماره ۲، صص ۲۰۹-۱۹۱.

۹. مهندسین مشاور نقشه پایدار و توسعه البرز، ۱۳۹۲، طرح هادی روستای فلار، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی استان قزوین.

۱۰. نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن، ۱۳۹۵، مرکز آمار ایران.

11. Cutter, S. L., Barnes, L., Berry, M., Burton, C., Evans, E., Tate, E., et al. (2008). A place-based model for understanding community resilience to natural disasters. *Global Environmental Change*.

12. Eftekhari, A. R., 2006, Vision of Rural Development in Iran: Basic Thought, Requirements and Prerequisites, *Journal of Economics and Society*, 2nd year, No. 10, Winter.

13. Petak, W. (2002). Earthquake resilience through mitigation: a system approach. Paper presented at the International Institute for Applied Systems Analysis, 12 Sep 2002, Laxenburg, Austria.

14. Ride, A. (2011). *Community resilience in natural disasters*. New York: Palgrave Macmillan.

15. Woolcock, Michael (2001). The place of social capital in understanding social and economic outcome, *Canadian journal of policy researches*.

